

روزنه

تبارشناسی سعید حجاریان از ۲ رویداد مسلحانه تاریخ معاصر ایران

سیاهکل تراژیک، آمل رمانتیک

سعید حجاریان در یادداشتی به وقایع سیاهکل و آمل پرداخت و نوشت: «سازمان چریک‌های فدایی خلق از سه گرایش عمده و متفاوت شامل احمدزاده-بویان، جزئی و ضیاظریفی و رفقایش تشکیل می‌شد. اولی، به مبارزه مسلحانه شهری اعتقاد داشت، دومی به کار فرهنگی متمایل بود و سومی به مبارزه در روستا و کوهستان میل می‌کرد. تا پیش از سال ۱۳۴۹، چریک‌های فدایی در قالب سازمان اعلام موجودیت نکرده بودند و می‌خواستند با یک حرکت انقلابی اعلام حضور سیاسی کنند و موجودیت خود را به رخ بکشند. واقعه سیاهکل، رویدادی بود در جهت این استراتژی اما در واقع تراژی‌ای بود ناشی از یک خطای محاسباتی. حمله به پاسگاه سیاهکل منجر به مداخله مردم بومی شد. متعاقب آن نیروی نظامی شاه کل منطقه را پوشش داد و نتیجتاً کار با دستگیری و قتل و اعدام ختم شد. چریک‌ها گمان می‌کردند همان‌طور که با استرا با جمعی اندک از رفقایش به کوه‌های سیرا ماسترو حمله‌ور شد، دهقان‌ها را بسیج کرد و رژیم بایتیستا را برانداخت. می‌توانند دست‌کم با تبلیغ مسلحانه ذهن جوانان را به خود جلب کنند.»

به گزارش «مشق نو» او ادامه داد: «اگر چریک‌ها تاریخ روسیه را خوانده بودند، می‌دانستند که تزار نیکلای بعد از انقلاب فوریه با همکاری پیوتر استولین بدست به اصلاحات ارضی زد. اصلاحاتی که بعد از آن، دهقان‌ها دلگرم شدند و به تزار روی خوش نشان دادند. در همان زمان، لنین جزوه‌ای منتشر کرد و نوشت شرایط انقلابی دیگر مهیا نیست و بعید است بتوان موزیک‌ها را با خود همراه کرد و نتیجه گرفت، باید صبر پیشه کرد. این صبر تا سال ۱۹۱۷ به طول انجامید تا انقلاب بلشویکی پیروز شد. هرچند در این فاصله، میان بلشویک‌ها هم اختلافات زیادی پدید آمد.»

او با اشاره به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ چنین آورد: «به ایران برگردم. اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ پروژه اصلاحات ارضی ایران به دست شاه ولی امینی کلید خورد؛ ۱۰ سال پیش از حمله به پاسگاه سیاهکل. یعنی چریک‌ها می‌توانستند با مرور تجربه روسیه، آموزه‌های لنین و پیامدهای اصلاحات ارضی ایران شکست مبارزه چریکی دهقانی را پیش‌بینی کنند و بر مشی کاستریستی خط بطلان بکشند. آن واقعه به شکست انجامید؛ اما آثار این سنخ مبارزه کمابیش به جا ماند. مثلاً من و هم‌نسلانم، زمانی که به کوه‌نوردی‌های دو سه روزه می‌رفتم، سعی داشتیم از مسیرهایی برویم تا با پاسگاه‌ها تلاقی نداشته باشیم. هرساله نیز در دانشگاه در سالگرد نوزدهم بهمن برای گرامیداشت این روز شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» سر داده می‌شد. حکومت نیز بهره‌برداری خاص خود را از آن واقعه داشت و سال‌های پایانی عمر سلطنت، گارد دانشگاه به همراه ژاندارم‌ها و یادی ساواک در کوهستان‌های اطراف تهران گروه‌های کوهنورد را لت‌وتواری می‌کردند تا بساط کوه‌نوردی را برچینند.»

این فعال و تحلیلگر سیاسی درباره واقعه آمل هم اشاره کرد: «اگر واقعه سیاهکل تراژدی بود، بعد از انقلاب همین واقعه به صورتی رمانتیک تکرار شد. عده‌ای از جوانان کنفدراسیون -که در خارج درس خوانده بودند- بعد از انقلاب به ایران برگشتند و گروهی را تحت عنوان اتحادیه کمونیست‌های ایران تشکیل دادند؛ گروهی که گرایش‌های فکری ناروشنی داشت و از مانوئیست و تروتسکیست تا طرفداران کارلوس ماریلا و رژی دبره را در بر می‌گرفت. آنها ناگهان تصمیم گرفتند همان مسیر سیاهکل را این بار در مازندران بپیمایند؛ بنابراین به جنگل‌های مازندران رفتند. شبی، تلویزیون می‌دیدم و دیدم امام خمینی می‌گوید جبهه ملی مرتد است، امام ضمناً نامی هم از کولاندریه کمونیست‌ها آورد که آنها نیز هم‌نوا با جبهه ملی شده‌اند. من تعجب کردم امامی که اساساً نام گروه‌ها و سازمان‌ها را به خاطر نمی‌سپرد، چگونه بین همه این گروه‌ها از اتحادیه کمونیست‌ها نام برده است؟ با محسن رضایی تماس گرفتم و پرسیدم قصه نام‌بردن امام از اتحادیه کمونیست‌ها چه بود؟ گفت: هرچه اطلاعیه درباره قصاص منتشر شده بود، پیش امام بردیم. اعلامیه آنها روی همه بود. امام آن را دیده و همان هم به خاطرش مانده بود. گویند امام فکر کرده بود همه کمونیست‌ها علیه قصاص متحد شده‌اند.»

او افزود: «با فاصله کمی، نورالدین کیانوری جلسه پرسش و پاسخ گذاشت و قسم و آیه آورد که اتحادیه‌ای در کار نیست و توضیح داد «اتحادیه کمونیست‌های ایران» یک گروه کوچک مانوئیستی هستند. روزنامه «کار»، (ارگان فدائیان خلق اکثریت) هم این مسئله را تیتیر کرد و درباره اتحادیه نوشت: «نه کمونیست است، نه اتحادیه. یک گروهک مانوئیست است.» (کار، ش ۳، ۱۱۱۵ تیر ۱۳۶۰). اینها به این خاطر بود که میاد گمان بود همه چپ‌ها یکی شده‌اند. بعد از این اتفاق اتحادیه کمونیست‌ها اطلاعیه دیگری صادر کرد و نوشت رژیم دشمن واقعی خود را شناخته است و متوجه شده آن ما هستیم که می‌توانیم سرنگونش کنیم.»

ایراد کجا بود که پوتین به قالیباف وقت ملاقات نداد، درحالی‌که قبلاً اعلام شده بود رئیس مجلس حاضر شده هم در فرودگاه ایران تست کرونا بدهد هم در مسکو؟ به نظر می‌رسد تیم رسانه‌ای و مشاوران جوان قالیباف هول شدند و صرف یک درخواست را قطعی نپنداشتند و آن را رسانه‌ای کردند. شاید هم تصور می‌کردند پوتین قطعاً به قالیباف وقت ملاقات می‌دهد؛ دم خروس آنجا بیرون می‌زند که یک فعال رسانه‌ای اصولگررا توییت می‌کند که: «اصرار به «دیدار با پوتین» از اول هم اشتباه بود.»

پروتکل‌ها چه می‌گویند

طبق پروتکل‌های بین‌المللی، دعوت‌های دیپلماتیک یا از سوی میزبان انجام می‌شود یا به درخواست میهمان. اگر به درخواست میزبان باشد، باید نامه دعوت از سوی یک مقام هم‌تراز به سفارت کشور شخص مدعو داده شود. این دعوت به وزارت خارجه آن کشور ارسال و از آن طریق به دفتر فرد مدعو داده می‌شود. شخص مدعو با وزارت خارجه و مشاورانش درباره محور مذاکرات و تراز سیاسی میزبان مشورت می‌کند. وزارت خارجه به شخص مدعو نظر مشورتی می‌دهد با این عنوان که این سفر توصیه می‌شود یا نمی‌شود اما تصمیم نهایی با فرد مدعو است. آن‌طورکه از اقوال برمی‌آید، سفر قالیباف به روسیه که حامل پیامی برای پوتین بوده، به درخواست خود رئیس مجلس بوده است. در این صورت، روند هم به این شکل است که درخواست از طریق وزارت خارجه و بعد سفارت ایران به همراه بیان دلایل، محورهای دیدار و فهرست درخواستی ملاقات‌شوندگان اعلام می‌شود. در کنار درخواست ملاقات با رئیس دوما روسیه، درخواست ملاقات با پوتین هم از سوی قالیباف ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد که اینجا یک خط و عملکرد غیرحرفه‌ای از سوی تیم رسانه‌ای رئیس مجلس صورت گرفته است. درحالی‌که پوتین هنوز پاسخ قطعی مبنی بر پذیرش ملاقات با قالیباف را اعلام نکرده بود، صرف اعلام درخواست، ماجرا رسانه‌ای می‌شود. شاید هم تصور نمی‌کردند که پوتین وقت ملاقات ندهد؛ چراکه تصورشان این بود وقتی که پوتین قبلاً حسین دهقان، وزیر وقت دفاع و لایتن، مشاور مقام معظم رهبری و علی لاریجانی در زمان دبیری شورای عالی امنیت ملی را به حضور پذیرفته بود، پس حتماً به قالیباف هم وقت ملاقات می‌دهد. همین اخیراً، ظریف هم که به مسکو رفته بود، صرفاً توانسته بود تلفنی با پوتین صحبت کند. اتفاقی که در تهران هم می‌شد انجام داد.

تفسیر دور قاپ‌ها بود؟

قالیباف مشاوران جوانی را اخیراً به دور خود جمع کرده مانند یامین‌پور و مهدی محمدی و... که تخصصشان بیشتر سیاست داخلی است و درحالی‌که مشاور بین‌المللش امیرعبداللهیان با سابقه چندین‌ساله کار در وزارت خارجه است اما این مهدی محمدی است که درباره سفر قالیباف به روسیه قلم‌فرسایی می‌کند: «آقای قالیباف در سفر به روسیه حامل پیام مکتوب مهم، تاریخی و دوران‌ساز رهبر انقلاب برای رئیس‌جمهور روسیه است. این نخستین بار در تاریخ روابط دو جانبه است که رهبر معظم انقلاب متنی مکتوب و رسمی حاوی

قالیباف با پوتین دیدار نمی‌کند

کلید مشاوران قفل کرملین را باز نکرد



نکات راهبردی تقریباً بی‌سابقه برای آقای پوتین ارسال می‌کنند». او در ادامه افزود: «تأکید بر اینکه پیام باید دقیقاً در همین زمان، بدون تأخیر و توسط آقای قالیباف به روس‌ها منتقل شود، در عالی‌ترین سطح انجام شده و همه موضوعات دیگر را به حاشیه تبدیل کرده است...». کتایبه به مشاوران قالیباف به حمید رسایی فعال سیاسی اصولگررا هم رسیده. همان که از فهرست اصولگرایان مجلس کنار گذاشته شد و این بابت به‌شدت منتقد برخی چهره‌های مجلس است. او با نقل این مطلب محمدی در کانالش به کنایه نوشت: «واقعا باید گفت مشاور هم مشاورهای جدید!».

محمد مهاجر روزنامه‌نگار اصولگررا هم نوشت: «خاک بر سر من که بادمجان دورق‌اب‌چین‌های رئیس مجلس مملکت‌م برای عکس او با پوتین، برای مصرف در انتخابات ۱۴۰۰ تاریخ دیدار را به دروغ جعل می‌کنند. بعد بارها به سفیر روسیه التماس می‌کنند و وقتی «نه» می‌شنوند به دروغ می‌گویند پروتکل روسیه را نپذیرفتیم. چنین ذلت و خفتی در دوره قاجار هم نبوده.»

برخی هم ماجرا را به انتخابات ۱۴۰۰ ربط داده و تحلیل کرده‌اند که همه رفتارهای قالیباف چون سبویه هول‌زدگی انتخاباتی دارد، به چنین خطاهای فاحشی هم منجر می‌شود و همین اشتیاق وافر، دستمایه طنز کاربران فضای مجازی شد. عباس عبیدی در توییت نوشت: «قصید تحقیر ندارم فقط به دو اشکال قالیباف اشاره می‌کنم. ۱. به جای اینکه زندگی و فعالیت عادی خود را انجام دهد، همه کارهایش معطوف به انتخابات است. لذا کارهایش همیشه مصنوعی و خراب می‌شود. ۲. مشاورانش از خودش خیلی ضعیف‌ترند. مشاور محترم لطفاً آقای رئیس را از این توییت بی‌خبر نگذار.» برخی هم یاد ماجرای سعید جلیلی افتاده‌اند و نوشته‌اند: «شهریور ۹۱ هم سعید جلیلی نیم‌ساعت پشت در اتاق اردوغان معطل شد تا موفق به دیدار او شود.»

حمله پایداری‌ها به قالیباف

سایت رجانیز نزدیک به جبهه پایداری نوشت: «در دنیای سیاست ردوبدل‌کردن نامه، پیام‌ها و حتی پیشنهادات بین سرنان حکومت‌ها امری نرمال و طبیعی است. تا جایی که بارها سران کشورهای مختلف به‌صورت رسمی و علنی و حتی غیرعلنی مبادرت به ارسال پیام برای رهبر انقلاب داشته و بالعکس، رهبر انقلاب نیز اقدام به چنین امر

مرسوم می‌کرده‌اند. این انتقال پیام‌ها توسط رؤسای مجلس پیشین و مشاوران و دیگر مقامات رسمی کشور انجام شده است. در همه این موارد بیشتر از اینکه چه کسی پیام را به مخاطب منتقل کند، مسئله چیستی پیام و نویسنده آن است که مورد توجه تحلیلگران بین‌المللی قرار می‌گیرد. اما اخیراً این اتفاق در ایران به مناقشات سیاسی آلوده شده است.»

سفر قالیباف به مسکو و انتقال پیام مقام معظم رهبری به پوتین در حاشیه این سفر و سپس لغو دیدار مستقیم او با پوتین به دلیل پروتکل‌های بهداشتی کاخ کرملین از سوی منتقدین رئیس مجلس مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر توسط تیم مشاوران و نزدیکان قالیباف به مانوری برای کسب اعتبار سیاسی تبدیل شده است. به‌عنوان مثال احیدیان از حامیان برجام و مشاوران رسانه‌ای قالیباف در توییتی نوشته: «تخریب‌گران می‌خواهند این نکته که رهبر انقلاب تأکید داشتند در این مقطع مهم، پیام تاریخی خود را فقط از طریق آقای قالیباف منتقل کنند، به حاشیه برانند!». نکته دیگر اینکه مشخص نیست چرا نزدیکان قالیباف به خود اجازه می‌دهند برای کسب وجهه سیاسی برای رئیس مجلس اخبار مهم، راهبردی و حاوی پیام‌های بین‌المللی را به بازی سیاسی تقلیل دهند.

برای نمونه معلوم نیست چرا آقای توانگر که یکی از نمایندگان لیست قالیباف و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس است باید منبع اخبار سفر قالیباف به روسیه باشد. یا اساساً چرا قبل از تأیید رسمی دیدار و هماهنگی‌های لازم این اتفاق رسانه‌ای شده است؟ حتی مشخص نیست چرا وجود پیام مهم مقام معظم رهبری که از طریق رئیس مجلس باید به دست رئیس‌جمهور روسیه برسد، از هفته‌ها قبل در محافل و کانال‌های تلگرامی سیاسی و مشکوک و نزدیک به یک جریان خاص سیاسی رسانه‌ای شده است. ایران در عالی‌ترین سطح بارها پیام‌های مختلف دریافت و ارسال کرده است، اگر قرار بود که هر بار چنین حاشیه‌هایی توسط انتقال‌دهندگان و دریافت‌کنندگان پیام به وجود بیاید، بسیاری از تحولات دیپلماتیک کشور نه‌تنها به بازی‌های سیاسی آلوده می‌شد که از اعتبار پیام‌ها نیز می‌کاست. به نظر می‌رسد رئیس مجلس باید به مقابله با چنین حاشیه‌سازی‌هایی بایستد و مانع از تکرار این اشتباهات و کسب اندوخته سیاسی از موقعیت‌های مهم بین‌المللی شود.»

حسین امیرعبداللهیان دستیار ویژه رئیس مجلس و مدیرکل بین‌الملل مجلس گفته بود که برنامه‌های سفر رئیس مجلس به روسیه با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت و البته درک محدودیت‌های کرونایی تنظیم شده است. برنامه‌های مهمی در مدت اقامت دکتر قالیباف در مسکو تنظیم شده است که دیدار و رایزنی با رؤسای مجالس دوما و سنا و برخی از مقامات عالی‌رتبه دولتی روسیه از آن جمله است. امیرعبداللهیان با بیان اینکه «بارلمان و دولت مسکو با رویی گشاده و نگاه بلندمدت به مناسبات دو کشور نسبت به تنظیم برنامه‌های سفر عمل کرده‌اند»، گفت: توسعه همه‌جانبه همکاری‌ها و تسهیل روابط تجاری، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و... از اهداف سفر است.

خبر

محمدرضا عارف:

باید نوشتن قانون تسهیلگر ملاک باشد نه آشنائوسی

ایستنا: محمدرضا عارف در دیدار جمعی از کارآفرینان، یکی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب را حضور مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه‌های علم و صنعت و کارآفرینی دانست و گفت: «جامعه امروز ما نیازمند حضور فعالانه و نه تشریفاتی زنان در سطوح مختلف از جمله مدن، سیاسی و اجرایی است و نادیده‌گرفتن این نیروی عظیم و کارآمد با آثار و نتایج زیان‌بار در عرصه‌های مختلف تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا همراه بوده و هست». او با بیان اینکه در برنامه‌ها هم متأسفانه خواسته یک نوع فردگرایی احساس می‌شود، تصریح کرد: «موضوعی که در مجلس دهم بارها با دوستان مطرح کردم، این بود که عموماً علاقه‌مند به نوشتن انشا هستیم؛ درصورتی‌که برای ما نوشتن قانون و طرح تسهیلگر پیامد ملاک باشد. انشانویسان خوبی هستیم، علاقه‌مند هستیم صحبت‌های قشنگ انجام دهیم که مستمع را در کوتاه‌مدت به وجد بیاوریم و فضای مجازی هم به این نگاه کمک کرده است. فضای مجازی معمولاً به دنبال خروجی‌های یک‌شبه و لحظه‌ای هستند، موضعی می‌گیرند یک‌شبه و عده‌ای هورا می‌کشند، فردا هم فراموش می‌شود که چه آثار و نتیجه‌ای این موضع‌گیری و این صحت در پی داشته است». او ادامه داد: «در مجلس شورای اسلامی بیشتر تعداد تذکره‌داران‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. حالا این تذکرات چه نتیجه‌ای را در پی داشته است؟ چقدر فرد تذکره‌دهنده به این تذکرات اشراف داشته است؟ چقدر برای به نتیجه رسیدن تذکر تلاش شده است؟ سوالاتی که اغلب بی‌جواب می‌ماند.»

رئیس بنیاد امید ایرانیان با بیان اینکه هیچ راهی جز رویکرد برنامه‌ای نداریم، گفت: «در کشور ما به‌گونه‌ای وانمود شده که پول نفت درآمد است و انفال و ثروت ملی نیست. دولت با چه مجوز اخلاقی پول نفت را هزینه می‌کند؟ چه کسی این اجازه را داده ثروتی که متعلق به نسل‌های آینده است، به راحتی هزینه شود؟»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایان بر ضرورت حضور، نقش آفرینی و مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی تأکید کرد و گفت: «در مقطع فعلی باید بخش خصوصی به ثباتی برسد و اقتداری پیدا کند؛ البته در مقاطعی تلاش کردند بخش خصوصی را از بین ببرند، ولی موفق نشدند.»



آخرین تلاش‌ها برای پیوستن به FATF

پیشنهاد جدید دولت به مجمع تشخیص چیست؟

شرق: بهمن‌ماه رو به پایان است و خبری از تعیین‌تکلیف لویج FATF نیست. برخی از اعضای اصولگرای مجمع تشخیص مصلحت نظام که صراحتاً بارها از عدم تمایل خود برای بررسی و رأی‌دادن به این لویج سخن گفته‌اند، همچنان بر موضع خود هستند و ترجیح می‌دهند به‌جای رد یا تصویب آن با تکلیف نکه‌داشتن این لویج تا رویکارآمدن دولت بعدی که به زعم ایشان اصولگررا خواهد بود، صبر کنند. این نگاه دوگانه اصولگرایان بارها با نقدهای مختلفی مواجه بوده اما تاکنون نکرده است.

در دستور کار رفتن مجدد لویج FATF در مجمع تشخیص، آن‌هم با درخواست رئیس‌جمهور و موافقت رهبر انقلاب، گزاره امیدبخشی بود که از سوی لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور در آذرماه سال جاری مطرح شد، درحالی‌که پیش از این، لویج FATF پس از یک سال مسکوت‌ماندن در مجمع، از دستور کار خارج شده بود. بازگشت این لویج به مجمع تشخیص مصلحت بازناب مثبتی در فضای سیاسی و اقتصادی کشور به دنبال داشت و امیدها برای تصویب آن را افزایش داد، هرچند به گفته علی‌مظهری مجمع به دنبال این است که اگر بحث تصویب FATF مطرح باشد، آن را به دولت آینده که تصور می‌کنند اصولگرراست، بسپارد و به نوعی کار و موفقیت به نام اصولگرایان تمام شود. با توجه به اینکه اصولگرایان، هم در قبال FATF و هم در قبال برجام سنگ‌اندازی کرده‌اند و در واقع درحالی‌که طی این یک سال تصویب‌نشدن این لویج، کشور با زیان‌هایی مواجه شد که فشار بسیاری روی معیشت مردم وارد کرد، بلاتکلیفی مجدد مجمع در این‌باره به باور بسیاری مشکلاتی را متوجه روابط بانکی و مبادلات اقتصادی ایران خواهد کرد که اولین نتیجه آن در معیشت مردم محسوس خواهد بود.

دلیل مخالفت اصولگرایان دغدغه‌هایی چون محدودیت مرادوات تجاری و مالی ایران با دنیا از بی ضرورت شفافیت بیان می‌شود؛ این درحالی است که همه کشورهای دنیا به‌جز ایران از کره شمالی عضو این گروه اقدام ویژه مالی هستند و ایران بر اثر تحریم‌ها و حضور در لیست سیاه این گروه قادر به انجام هیچ‌گونه مرادوه مالی و تجاری حتی با کشورهای دوست نیست. سیدمحمود میرلوحی پیش از این گفته بود: نامه اخیر مقام معظم رهبری نشان داد که اگر جریان اصولگرایی دغدغه مسائل معیشتی، اقتصادی و داخلی کشور را دارد، یکی از عواملی که برای رفع مشکلات وجود دارد، FATF است. پس از تحریم‌های بی‌منطق آمریکا، یک تحریم داخلی نیز توسط خود ما انجام شد. مبارزه با پول‌شویی به این معناست که منشأ پول مشخص بوده و جابه‌جایی‌های آن زیر نظر وزارت اقتصاد و سازمان امور مالیاتی باشد. عده‌ای کم‌لطفی می‌کنند و می‌گویند با تصویب FATF اگر ما بخواهیم به سوریه، عراق و لبنان

ادامه در صفحه ۹